

در زیر یوغ گرسنگی

بقلم تی یری بران*

از لوموند دیپلوماتیک - دسامبر ۱۹۹۱

رژیم صدام حسین، علی رغم ترس عمیق خود از اینکه روشنفکران فارغ التحصیل دانشگاه‌های غربی به توطئه علیه آن دست بزنند به هزاران دانشجوی عراقی بورس تحصیلی می داد تا در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا درس بخوانند. نسبت قابل توجهی از کادرهای کنونی رژیم فارغ التحصیلان بهترین دانشگاه‌های انگلیس و آمریکا و بنابراین بسیار با کیفیت هستند. عراق پزشکی نسبتاً مدرنی داشت و عملیات جراحی بسیار پیشرفته همراه با آزمایش و تشخیص کامپیوتری آزمایشگاه‌های بسیار مدرن، پیوند اعضا، دیالیز کلیه و معالجه با اشعه لیزر در آنجا انجام می شد.

در نتیجه سیاست افسار گسیخته مدرنیزاسیون و علی رغم هزینه ی سنگین جنگ علیه ایران (۸۰-۸۸) عراق توانست نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ درحد ۵ / ۷ درصد نگه دارد و همراه با آن سطح زندگی عمومی را بالا ببرد. طی ۱۸ سال از ۱۹۷۰ تا ۸۸ مصرف مواد غذائی سرانه در عراق از ۲۲۵۰ کالری در روز به بیش از ۲۳۰۰ کالری رسید (۱). هم چنین ، با افزایش چشمگیر مصرف مرغ، لبنیات و تخم مرغ که بتدریج جایگزین غذاهائی مثل نخود و دیگر گیاهان گردید مصرف پروتئین ۳۰ درصد بالا رفت . برای مثال تولید تخم مرغ از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ بیش از ۵ برابر شد و تولید گوشت مرغ از ۱۷۰۰۰ تن به ۱۹۸۰۰۰ تن رسید. توجه کنیم که ۹۵ درصد از دانه مورد نیاز مرغداریها از خارج وارد می شد. بنابراین ، این تحول با وابستگی روز افزون به واردات همراه بود، وارداتی که دو سوم خواربار مصرفی را در آستانه تحریم اقتصادی شامل می گشت.

ششم اوت ۱۹۹۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد به تحریم مالی، تجاری و نظامی عراق رای مثبت داد. اندکی پس از این قطعنامه، وزارت کشاورزی و آبیاری عراق که نسبت به خطر قحطی آگاه بود با تغییر جهت بخشی از کشاورزی به سمت تولید گندم، جو و برنج دست به اقداماتی برای تولید غله زد. زمین های کشت نشده زیر کشت رفت. در تکنیک کشت برنج نیز تغییراتی داده شد تا دوبار پیاپی در سال بتوان از زمین استفاده کرد. هزاران تن بذر گندم، کود شیمیائی، مواد ضد آفات و نفت سیاه به قیمت‌هایی که بخاطر سوبسید شدیداً ارزان بود بین کشاورزان توزیع گردید تا آنها را برای تولید تشویق نماید. بدین ترتیب سطح زیر کشت در فصل پائیز ۵۰ در صد افزایش یافته بود.

به نسبت میانگین تولید سه سال پیش (۱۹۸۷ - ۱۹۸۹) تولید ۱۹۹۰ هفتاد درصد افزایش داشت و سطح آفت زدائی شده دوبرابر شده بود (۲). استفاده از غلات برای خوراک دام ممنوع گشت و بهمین میزان تولید گوشت کم شد. با وجود این، برای عراق امکان ندارد که در زمینه تامین مواد غذائی خود کفا باشد. جیره بندی سختگیرانه ای ضروری است.

علی رغم تلاش هائی که به کار رفته ، در ژانویه ۱۹۹۱ عراق آمادهء مقابله با جنگ در زمینه ایمنی غیر نظامی، سازماندهی خدمات بهداشتی و تهیه آذوقه نیست. جنگ با ایران، که دو سال قبل به پایان رسیده ، مردم را نیز مانند ارتش بشدت خسته کرده است.

مبارانهای غافلگیر کننده (۳) ضربات خود را درست آنجا که انتظار نمی رفت وارد می آوردند. مفسران حملات هوائی آمریکا، در جریان جنگ خلیج، اظهاراتی کرده اند که به نحو غریبی آنچه را که در جریان جنگ ویتنام طی سالهای ۷۰ گفته می شد ، به خاطر می آورد: "Bomb them back to the stone"

age" (با بمباران آنها را به عصر حجر برگردانید) به عبارت دیگر "زیر بنای مدرن کشور را نابود کنید تا به عصر حجر برگردند". آنچه در درجه اول آماج حمله بود، ارتش عراق نبود بلکه زیر بنای صنعتی و نیروگاه ها بود. خطرناکترین مساله برای مردم انهدام سیستماتیک مراکز صنعتی با بخار، توربین های گاز و سدهای آبی تولید برق بود. جمعا ۲۰ مرکز بمیزان ۷۵ تا ۱۰۰ درصد منهدم شده است. طی چند هفته تولید برق بشدت سقوط کرد.

قحطی شیر و آب آشامیدنی

هیات اعزامی سازمان جهانی بهداشت (DMS) و یونیسف که یک ماه پس از آغاز بمباران به بغداد رسید (۴) ، با مردمی مواجه میشود پریشان و وحشتزده (۵)، محروم از وسایل گرم کننده که مایوسانه تلاش می کنند آب و سوخت برای پخت و پز بدست آورند. مدارس بسته اند . بچه ها شب از ترس بمباران جیغ می کشند. قحطی شیر و غذای کودکان، به خصوص آثار کشنده ای روی نوزادان باقی می گذارد. "موسسه کودک" چنین حالتی را پیش بینی نمی کرده تا در محل بفکر تولید چیزی جایگزین شیر و غذای کودک باشد. اسهال و بیماریهای تنفسی آمار مرگ کودکان را بالا می برد. از کار افتادن پمپهای تخلیه فاضل آب موجب شده که جویهای فاضل آب در کوچه ها و خانه ها جاری شود . بخشی از این آبها به رودخانه می ریزد. تانکرهای آب متعلق به شرکتهای خصوصی، آب تصفیه نشده رودخانه را بعنوان آب آشامیدنی به مردم می فروشند و بدین ترتیب میکرب بیماریهای معده و روده را به همه جا منتقل می کنند. کارخانه های شیمیائی که کلر تولید می کرده اند بمباران شده اند.

قبل از جیره بندی غذائی در سپتامبر ۱۹۹۰، وزارت بازرگانی هرماه ۳۴۰ هزار تن خواروبار مشمول سوبسید، توزیع میکرد. این کمیت در فاصله ی سپتامبر تا دسامبر ۹۰ به ۱۸۰ هزار تن و سپس از ماه ژانویه به ۱۳۵ هزار تن تقلیل یافت. قبل از جنگ، سطح مصرف سرانه بیش از ۳ هزار کالری در روز بود در حالی که این سیستم جیره بندی، بیش از ۱۲۰۰ کالری تا ماه دسامبر و سپس ۹۰۰ کالری از ژانویه تا آوریل را تامین نمی کند. این جیره بتدریج بالا می رود تا ماه مه و ژوئیه به ۱۳۶۰ کالری برسد و سپس در همین سطح باقی بماند.

برای صرفه جوئی در گندم، حالا آرد "خاکستری" که مخلوطی است از آرد گندم، جو و ذرت با قیمتی همراه با سوبسید توزیع می کنند. در بازار آزاد، قیمت آرد سفید ۴۴ برابر شده و برنج ۲۲ برابر. قیمت گوشت کمتر بالا رفته زیرا بخاطر کمبود علوفه و خوراک دام می بایست حیوانات را سریعا می فروختند ویا روانه ی کشتارگاه می کردند. صدها هزار رأس از دام ها بطور قاچاق به ایران و ترکیه و حتی کویت برده شد. قسمتی از غلات منطقه کردستان نیز به کشورهای همجوار (ایران و ترکیه) فروخته می شود زیرا پول آن کشورها از پول عراق که بشدت تنزل کرده ارزش بیشتری دارد (۶).

کشور هنوز به مرحله ی "قحطی" نرسیده اما فقر و فاقه در شهرها وجود دارد که در چاردیواری خانواده پوشیده می ماند ولی می توان آنرا در قناعتی دید که به جیره بندی شبیه است و در فروش هر آنچه در خانه ها باقی مانده تا بتوان با آن چیزی برای خوردن خرید. پس از ته کشیدن پس انداز و تلاش برای ادامه حیات علی رغم بالا رفتن سرسام آور قیمتها نوبت به تقاضای کمک از افراد خانواده یا دوستانی که وضعشان بهتر است می رسد. ولی هرچیز حدی دارد. برخی که به آینده امیدوار بودند دستگاه تهویه وپنکه ها را در ماه ژانویه فروختند . تابستان بسیار گرم فرا رسید. شوفاژ و گرم کن و پتو را فروختند به این امید که قحطی تا زمستان طول نخواهد کشید. اینک زمستان فرا می رسد و تحریم ومحاصره هم چنان برجاست.

هیات اعزامی سازمان بهداشت جهانی و یونیسف ، از ماه فوریه ۹۱ اخطار کرده بودند که احتمال قحطی مهلک وجود دارد. بنا به خواست دبیر کل سازمان ملل متحد هیاتی متشکل از ارگانهای اصلی ملل متحد در ماه مارس به عراق رفتند و از شمال تا جنوب آن دیدن کردند. نتیجه گیری آنها این بود که جز با استقرار

مجدد دستگاه اقتصادی کشور نمیتوان جلوی گرسنگی و بیماریهای واگیر را گرفت. بدیهی است که این کار مستلزم لغو تحریم است ولی شورای امنیت حاضر نیست از تصمیم خود عقب نشینی کند. به سیاست تحریم ادامه می دهد تا صدام حسین را مجبور کند از اطلاعات مربوط به زرادخانه هسته ای و جنگ بیولوژیکی پرده بردارد.

در ماه ژوئن ، پرنس صدرالدین آقاخان(۷) خود در راس هیاتی عالی رتبه برای ارزیابی نیازهای فوری و ارائه توصیه هائی همراه با عدد و رقم به شورای امنیت ، عازم عراق شد. این هیات نیز مانند هیات پیشین خطر فقر و فاقه ی مهلک را خاطرنشان ساخت. نشانه های عادی هشدار دهنده ی فرارسیدن قحطی هم اکنون پیش چشم همگان است: قیمت مواد غذائی اساسی بنحو سرسام آوری بالا رفته، خانواده ها اموال شخصی مثل تلویزیون، رادیو، لباس، قالی و بخصوص جواهرات خود را برای تامین آذوقه می فروشند. با افزایش سرسام آور همه نوع دزدی و دستبرد، در خیابان ها و در خانه ها و نیز موارد متعدد قتل در شهرهائی که مورد مطالعه قرار داده ایم، وقوع جرائم به حد انفجاری رسیده است. مغازه داران به خصوص مواجه با حرص و ولع سربازانی هستند که کارشان را از دست داده اند، تحقیر شده اند و حتی نمی توانند نان خانواده شان را نیز تامین کنند.

تحریم اقتصادی خود حالات اضطراری نوینی پدید می آورد. کردها فقط به یمن کمکهای غذائی به زندگی خود ادامه می دهند و نمی توانند دهکده هاشان را در این شرایط قحطی و فلج عمومی اقتصادی ، بازسازی کنند.

از ژوئن ۹۱ ، یونیسف به وزارت بهداشت عراق پیشنهاد کمک می دهد تا کودکانی را که دچار تغذیه اند در مراکز بیپذیرد. تحقیقات مختلفی که تا کنون انجام شده نشان می دهد که بیش از یک پنجم کودکان عراقی در جنوب کشور مبتلا به سوء تغذیه اند. این نسبت در مناطق دیگر یک دهم است. در مجموع ، بیش از نیم میلیون کودک کمتر از ۵ سال دچار سوء تغذیه اند. میزان مرگ ومیر کودکان کمتر از ۵ سال، طی یک سال بیش از دوبرابر شده است.

به دنبال مذاکرات طولانی و صبورانه ، سرانجام وزارت بهداشت عراق رضایت داد که ۴ مرکز " جبران سوء تغذیه" در چهار بیمارستان بغداد صرفا بطور آزمایشی دائر کند. عراقی ها نمی فهمند چرا ملل متحد با اعمال تحریم ، این کشور را مبتلا به گرسنگی می کنند و در همان حال هیاتهای از همین سازمان می خواهند با اجرای برنامه هائی ، سوء تغذیه ناشی از همین تحریم را جبران کنند.

صدام حسین با بدست گرفتن مجدد کنترل دولت و ارتش، کنار گذاشتن برخی از وزرا که با نیروی اشغالگر، بیش از حد سازشکار بوده اند، امیدوار است که نیروهای ملل متحد عراق را ترک کنند. دولت می خواهد مسائل داخلی اش را بدون وجود شاهد و بدون دخالت خارجی حل کند. عراقیها در نتیجه تمديد تحریم دچار سرگردانی شده اند . دیگر مایل نیستند بین خارجی ها فرق بگذارند. در این فضای پس از جنگ که کمبود در همه چیز مشاهده می شود نوعی بیزاری شدید بوجود آمده است و همه خارجی ها در ایجاد وضع کنونی شریک جرم تلقی می شوند. اینجاست که تمديد بایکوت به هدفهای مخالف خود منتهی میشود. مردم عراق که در بدبختی واحدی شریک یکدیگرند دور رئیس جمهورشان که بیش از هر زمان دیگر بصورت قربانی غرب در آمده، گرد می آیند.

اما در باره هزاران کودکی که از سوء تغذیه و قحطی طولانی جانیشان را از دست می دهند ، روزی به خاطر خواهیم آورد که یکی از کسانی که می کوشید (هر چند بدون نتیجه) مانع جنگ گردد هشدار داده بود: "... با تحریم و بایکوت به خفه کردن ملتی ادامه دادن روزی بعنوان جنایتی غیر قابل گذشت علیه بشریت شناخته خواهد شد..."(۸)

* تی یری بران (Thierry Brun) استادیار موسسه کشاورزی مدیترانه (IAM) در مونپولیه. وی که مشاور واحد برنامه ریزی شرایط اضطراری یونیسیف است عضو هیأتی بوده که به ریاست صدر الدین آقاخان، در فاصله ۲۸ ژوئن تا ۱۳ ژوئیه [۹۱] به عراق رفته و سپس در ۲۲ ژوئیه گزارشی در باره خطرات گرسنگی در عراق به شورای امنیت ملل متحد در نیویورک ارائه کرده است. او در حال حاضر عضو وابسته عملیات یونیسیف برای کمکهای غذائی به کودکان عراق است.

(۱) 6 août 1991. E.Boutrif , Back to office, Report from Irak. FAO, Rome

(۲) وزارت برنامه ریزی جمهوری عراق، سازمان مرکزی آمار، آمار استخراج شده سالانه، بغداد ۱۹۹۰

(۳) ۱۷ فوریه ۹۱ ساعت ۲/۴۰ صبح بمباران متمرکز ساختمانهای استراتژیک و اداری پایتخت آغاز شد.

(۴) دکتر گیانی مورزی، نماینده یونیسیف، اولین مسؤل یکی از بخشهای سازمان ملل متحد است که زیر بمباران به سر کار خود بر میگردد در آن وقت هنوز حمله زمینی شروع نشده بود.

(۵) جمعیت بغداد بیش از ۴ میلیون نفر است.

(۶) ارزش دینار عراق ، یک بیستم ارزش آن قبل از جنگ است.

(۷) قطعنامه ۶۸۷ مورخه ۳ آوریل ۱۹۹۱ قید می کند که شورای امنیت شرایط انسانی در عراق را هر ۶۰ روز یکبار مورد مطالعه قرار می دهد به این هدف که احتمالاً از وخامت آن شرایط بکاهد.

(۸) نامه به برنارد کورنو نوشته ی کلود شسون وزیر سابق امور خارجه فرانسه و نماینده پارلمان اروپا، مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۱.